

این تریبون به مرجعیت نماز جمعه کمک کرد؟



علی مزرعی خبرنگار گروه نقد روز

بیش از یک ماه از ماجرای افشای اسنادی از انتقال سند زمین حوزه علمیه امام خمینی ازگل به موسسه‌ای تحت مالکیت آیت‌الله صدیقی و چندین نفر از اعضای خانواده او می‌گذرد. ماجرای که امام جمعه موقت تهران صحت آن را تأیید کرد اما آن را ناشی از سوء استفاده یکی از افراد نزدیک به خود دانسته و حتی مدعی شد امضایش در این پرونده جعل شده است. آنطور که کاظم صدیقی گفته است از فرد مذکور شکایت شده و دادگاه برای رسیدگی به پرونده باید وارد عمل شود، حتی اگر روایت امام جمعه موقت تهران قطعیت داشته باشد باز هم بخشی از بدنه افکار عمومی نسبت به قصور احتمالی ایشان معترض بوده و خواهان تعیین تکلیف نهایی پرونده و برخورد قاطع با خاطیان هستند. روز پنجشنبه اما اتفاقی رخ داد که بر شدت برانگیختگی افکار عمومی افزود. درحالی‌که هنوز پرونده موسوم به زمین خواری در حوزه علمیه ازگل در دادگاه تعیین تکلیف نشده شورای سیاستگذاری آیت‌الله صدیقی را به امامت نماز جمعه هفته گذشته برگزید. این اقدام که به نظر می‌رسد با هدف پایان بخشیدن به جنجال ایجاد شده اتخاذ شده باشد به جای آنکه چنین هدفی را محقق سازد نتیجه‌ای عکس داده و حواشی ایجاد شده را به تیر اخبار بازگرداند. این انتخاب قبل از نهایی شدن پرونده و اقرار افکار عمومی آسیب‌هایی را پدید می‌آورد و شأنیت نماز جمعه به عنوان یک نهاد سیاسی، اجتماعی مهم در تاریخ انقلاب را نیز خدشه‌دار می‌کند.

نماز جمعه شائبه‌ی فراتقویمی دارد

دین اسلام برای عبادات شائبه‌ی فراتر از ساحت زیست شاخصی قائل بوده و اثر اجتماعی آن را راجع می‌داند به همین دلیل نیز در دین اسلام توصیه شده است در صورت امکان مردم نماز خود را به جماعت بخوانند. در بین همه عبادات اما نماز جمعه به لحاظ اجتماعی و سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد؛ چراکه علاوه بر جمعه یک خطبه سیاسی نیز به آن اختصاص دارد. برگزاری هفتگی این رویداد عبادی سیاسی باعث می‌شود تا جامعه اسلامی نسبت به فضای سیاسی خشن نمانده و تحلیل‌ها و اطلاعات به‌روزرسانی شده را دریافت کند؛ چنین اثری زمانی محقق می‌شود که متولیان برگزاری به نگاهی تقویمی دچار نشده و برای حفظ و ارتقای شأنیت سیاسی نماز جمعه به متن و فرامتن این رویداد توجه ویژه‌ای نشان دهند. سپردن تریبون نماز جمعه به آقای صدیقی به عنوان فردی که اخبار او در چند روز اخیر حاشیه‌برانگیز شده است باعث شده عقلایت پشت این تصمیم به چالش کشیده شده و این سوال به وجود بیاید که آیا متولیان برای برگزاری نماز جمعه به عنوان یک رویداد سیاسی-اجتماعی اتفاقات فرامتنی که در فضای اجتماعی و سیاسی رخ می‌دهد را نیز مورد توجه قرار می‌دهند یا احیاناً دچار روزمرگی شده و بدون توجه به پیامدها اجتماعی صرفاً به برگزاری مراسم و ادای تکلیف هفتگی می‌اندیشند.

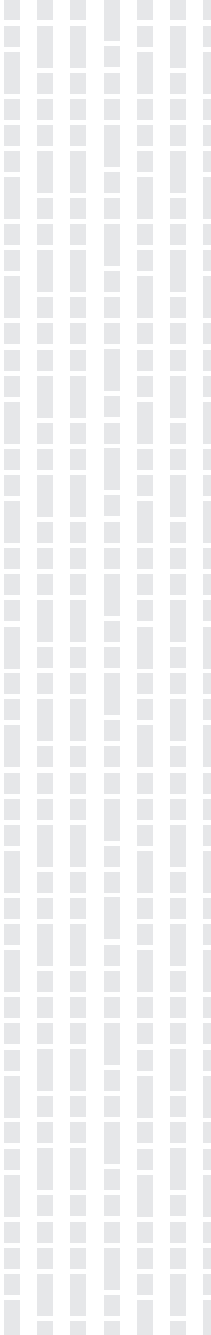
غنی‌سازی فرم و محتوا

در نظر گرفتن فضای اجتماعی باعث می‌شود تا جایگاه نماز جمعه در نظر مردم رنگ باخته و از میزان اقبال عمومی برای شرکت در آن کاسته شود. اگر برای جایگاه اجتماعی نماز جمعه اهمیت قائل باشیم نمی‌توانیم از کاهش جمعیت مشارکت‌کنندگان در آن ساده عبور کنیم. از آنجایی که پیدا



نقد روز

شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳
شماره ۴۱۱۱
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY



فضای اجتماعی معیار نیست اما تعیین‌کننده است

اگرچه نظرات بازتاب داده شده در فضای اجتماعی معیار تعیین حق و باطل نیست اما نمی‌شود آن را در مناسبات لحاظ نکرد. لذا اگر حرفی نیز برخلاف واقعیت در جامعه شیوع پیدا کرده باشد راه تقابل با آن ناپسند انگاری و بی‌پاسخ گذاشتن مساله نیست. عدم ارائه پاسخ دقیق باعث رسمیت یافتن دوقطبی‌های کاذب شده و اتفاقاً به شیوع روایت‌های جعلی کمک می‌کند. اگرچه گفته می‌شود پرونده این ماجرا در دستگاه قضایی در حال بررسی است اما نباید تا حل و فصل شدن ماجرا و مهیا شدن پاسخی قابل اقع اقداماتی انجام داد که روایات غیررسمی را شأنیت بخشد. اینکه شورای سیاستگذاری ائمه جمعه آیت‌الله صدیقی را قبل از نهایی شدن پرونده اخیر به عنوان امام جمعه برگزیند باعث می‌شود تا بخشی از افکار عمومی نسبت به اجرای عدالت در مورد ایشان بی‌اعتماد شود. چنین مساله‌ای به شخصیت آیت‌الله صدیقی نیز آسیب می‌زند؛ چراکه اگر دادگاه ایشان را میرا بشناسد رسانه‌های معاند برای غیرمعتبر شمردن رای دادگاه بسیج شده و این گونه برای جامعه تصویر سازی می‌کنند که رای صادر شده ناشی از معادلات سیاسی پشت‌پرده است. از سوی دیگر چنین اقداماتی ممکن است عوامل قضایی بررسی‌کننده را نیز تحت فشار قرار دهد؛ چراکه دوقطبی به وجود آمده باعث می‌شود در هر صورت بخشی از جامعه در نهایت به رای صادر شده خدشه وارد کنند. اگر رای به ضرر آقای صدیقی باشد بدنه حامیان قانع نمی‌شوند و اگر به نفع ایشان باشد اتهام‌های ناشی از شروع می‌شود. لذا این سوال وجود دارد که آیا نمی‌شد برای حفظ شأنیت آقای صدیقی و کمک به دقت

کردن جایگاهی موثر در اجتماع بدون در نظر گرفتن اقتضات اجتماعی غیرممکن است این توقع وجود دارد که عوامل برگزارکننده نماز جمعه برای افزودن بر میزان مخاطبان این اقتضات را نیز در نظر بگیرند. با انتخاب آقای صدیقی به عنوان امام جمعه آن هم پس از جنجال‌های رسانه‌ای که یک ماه بیشتر از آغاز آن نگذشته آیا می‌توان مدعی شد که اقتضات اجتماعی در مناسبات لحاظ شده‌اند؟ علاوه بر اهمیت حضور جمعیت در مراسم مهمی همچون نماز جمعه غنی بودن محتوا نیز به دو جهت اهمیت دارد؛ چراکه هم مخاطبان را افزایش می‌دهد و هم آگاهی آنها نسبت به مسائل سیاسی مهم روز را. این مساله به‌ویژه در ایام فعلی که جامعه نسبت به مناسبات امنیتی منطقه و نقش فعالان ایران در آن نیاز به آگاهی دارد واجد اهمیتی دوچندان است. پس از هدف قرار گرفتن سفارت ایران در دمشق و وعده انتقام ایران اکنون فضای سیاسی و اجتماعی نشسته آن است که بتواند موقعیت پیچیده فعلی را درک کرده و رخدادهای امنیتی احتمالی را پیش‌بینی کند. در چنین فضایی ارائه تحلیل‌های دقیق و روشکارانه که مبتنی بر داده‌های دقیق باشد نیاز فضای اجتماعی است و این نیاز اگر از جانب نهاد‌های رسمی و از طریق تریبون‌های رسمی همچون نماز جمعه بیان شود هم اعتبار این تریبون‌ها را بالا برده و هم می‌توان امیدوار بود که در عین رعایت مناسبات امنیتی اطلاعات دقیقی ارائه شده باشد. با انتخاب فردی همچون کاظم صدیقی این سوال به وجود می‌آید که آیا ایشان برای بیان تحلیل دقیق از وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه فردی توانمند محسوب می‌شوند و آیا بیان این مطالب از زبان فردی که نسبت به حواشی پیرامونی او سولاتی وجود دارد می‌تواند مخاطب را جذب کرده و او را نسبت به مسائل قانع کرد؟

در بررسی پرونده، ایشان تا تعیین تکلیف ماجرا در دادگاه برای امامت نماز جمعه انتخاب نمی‌شد. بازنشر مجدد حواشی پیرامون ایشان بعد از انتخاب به عنوان امامت نماز جمعه ۲۴ فروردین نشان داد این اقدام بیش از آنکه به حمایت از آقای صدیقی منجر شده باشد به فشار اجتماعی ضد او انجامیده است.

احیای اعتبار یا اتلاف آن؟

دقت در انتخاب امام جمعه به معنی نفی حضور آقای صدیقی در تریبون نماز نیست. نگاه دلسوزانه اما ایجاب می‌کند که با وجود اتفاقات اخیر برای این حضور قیود دقت و طراحی را نیز لحاظ کنیم تا مبادا به جای احیای اعتبار آن را بیش از گذشته هدر دهیم. از آنجایی که حواشی پیرامون آقای صدیقی در فضای رسانه‌ای بازتاب گسترده‌ای یافته و طیف گسترده‌ای را درگیر کرده است برای پاسخ به این ابهامات نیز باید پاسخی دقیق در قالب یک طراحی رسانه‌ای مطلوب ارائه داد تا قدرت اقناع حداکثری داشته باشد. اینکه بدون طی شدن این مرحله تریبون نماز جمعه در اختیار ایشان قرار گرفته و در فرصت محدود این تریبون نیز به جملاتی کوتاه در باب عذرخواهی اکتفا شود نه تنها کمکی به اقناع افکار عمومی و احیای شأنیت ایشان نکرده بلکه دامنه تقصیر را در این فرآیند معیوب اقناعی به نماز جمعه نیز کشانده و اعتبار این نهاد مهم سیاسی و اجتماعی را نیز هدر می‌دهد. در اختیار قرار داد تریبون به آقای صدیقی قبل از ارائه پاسخ‌های قابل اقناع به افکار عمومی باعث شد تا بار دیگر حواشی به وجود آمده در فضای افکار عمومی بازتولید شود. این خروجی باعث می‌شود تا در دلسوزانه تحلیل کردن انتخاب رخ داده نیز با نگاه تردید نگریسته شود.

یک سال از فقدان عماد افروغ گذشت

جامعه‌شناسی علیه تحجر عملی



سعید افروزی فعال حوزه رسانه

دوره‌ای که من آشنایی‌ام با دکتر افروغ صورت گرفت اواسط سال ۱۳۸۵ بود. فضایی که آن زمان بعد از دوره خاتمی ایجاد شده بود خیلی شباهت‌های زیادی به این دوران داشت. اصولگرایان خیلی خوشحال بودند که یک دولت عدالتگرا سرکار آمده است. اولین بارقه‌های مخالفت‌های تئوریک با وضعیتی که دولت احمدی نژاد شروع کرده بود و می‌خواست پدید بیاید توسط دکتر افروغ اتفاق افتاد. نقلی‌های آتشین عماد افروغ در مجلس هفتم درباره چند وزیر پیشنهادی انجام داد و اگر شما الان به آن نطق‌ها رجوع کنید، گویا یک دستورالعمل علوی، معنوی و انسانی برای حکمرانی است. اگر به مواضع سال ۹۰ خیلی از آقایان مراجعه کنیم که برای مخالفت و نقد احمدی نژاد چه چیزهایی می‌گفتند، می‌بینیم که همان مواضع سال ۸۵ آقای افروغ را اتخاذ کرده‌اند. در سال ۸۵ که افروغ در دوران اوج حمایت‌ها از احمدی نژاد به شیوه دولت‌داری و الگوهای حکمرانی او نقد داشت و با آن مخالف بود، موجی از هجمه، توهین و تحقیر از سوی کسانی که خودشان را سوپر حزب‌اللهی و انقلابی می‌دانستند اتفاق افتاد. اما همین آدم‌ها که شدیدترین حملات را به دکتر افروغ داشتند در سال ۹۰ همان حرف‌های افروغ را در نقد احمدی نژاد تکرار می‌کردند.

افروغ نگاهی جامع به مساله حق داشت

نگاه افروغ یک نگاه جامع به مساله «حق» بود. ایشان معتقد بود ما باید هم حق فردی و هم حق اجتماعی را پاس بداریم. حق فردی شامل آزادی، حق تعیین سرنوشت، حق نقد و مخالفت است. ایشان حق اجتماعی را هم نشون کلی مبتنی بر هویت ملی و دینی می‌دانستند و می‌گفتند بین فرد و جامعه یک حق دوطرفه‌ای برقرار است. در دوران خاتمی نقد دکتر افروغ این بود که شما به حق فردی خیلی اهمیت می‌دهید و حق اجتماع را در نظر نمی‌گیرید. افروغ در دوران احمدی نژاد نسبت به استبداد و دیکتاتوری هشدار می‌داد و می‌گفت شما حق جامعه را آنقدر بزرگ کرده‌اید که از حق فردی غافل شده‌اید. انگار همه باید در فضای خاصی که دولت ترسیم کرده حل شوند و یکرنگ باشند و هیچ‌کس هم مخالفتی نداشته باشد اما این راه به ننگه‌های شدید اجتماعی منجر می‌شود که همه ما در سال ۸۸ آن را به خوبی دیدیم.

مهم‌ترین نقد افروغ فریبه نهاد دولت بود

مهم‌ترین نقد افروغ غلظت و فریبه نهاد دولت بود. به این معنا که دولت در همه چیز دخالت می‌کند و همه چیز را می‌خواهد تا حد توان به استخدام



خودش در برابرد. موضوع دیگری که برای افروغ به شدت مهم و برجسته بود، رشد تحجر بود. او نسبت به تحجرگفتمانی و تحجر عملی در کشور هشدار می‌داد. یکی از مهم‌ترین صحبت‌های افروغ که زیاد به آن رجوع می‌کرد این بود که رابطه بین ظرف و مظلوم در جمهوری اسلامی نادیده انگاشته می‌شود. مادر همان قالب اداری و بروکراسی شاهنشاهی، محتوای اسلامی ریختیم و این جواب نمی‌دهد. این ساختاری که وزارتخانه‌ها و نهاد‌های دولتی ما در قالب آن کار می‌کنند شاکله‌اش برای رژیم گذشته است و اگر این مدل جواب می‌داد اساساً انقلاب اسلامی رخ نمی‌داد؛ چون اصلاحات انقلاب شد که این ساختارها تغییر کند. برای همین روی اصلاحات ساختار تأکید داشت.

اجماعی بین‌نهادی

بر سر کار گذاشتن افروغ به وجود آمد

من در آن دوران روزنامه نگار بودم و در کارهای رسانه‌ای کنار ایشان حضور داشتم و کمک می‌کردم و به همین خاطر شنب‌های زیادی را ما کنار هم بودیم و باهم صحبت می‌کردیم. اکنون که در ۴۰ سالگی‌ام حضور دارم و خاطرات ۲۵-۲۴ سالگی را مرور می‌کنم، نگاه دکتر افروغ و نسخه‌های ایشان را هنوز کارآمد می‌یابم اما متأسفانه بسیاری از چهره‌های به اصطلاح انقلابی

حالا فرد مورد نقد وزیر و وکیل، هرکسی که می‌خواهد باشد. رهبر انقلاب در پیام تسلیت به خانواده دکتر افروغ از ایشان به عنوان یک دانشمند فرزانه و انقلابی یاد می‌کنند، ولی دو جناح مختلف بلاهای زیادی سر این دانشمند فرزانه و انقلابی آوردند، به طوری که ایشان در هفت یا هشت سال آخر عمرش کاملاً عزلت‌نشین بود. البته باید بگویم این عزلت را هم خودش انتخاب کرد. احتمالاً احساس کرد که دیگر تکلیف از او ساقط شده است؛ اما باز هم سر قضایای ۱۴۰۱ به میدان آمد. فیلمی از ایشان منتشر شده که آنجا باز هم از این حق دو جانبه فرد و اجتماع صحبت می‌کند و حرف‌های دقیقی را درباره اینکه این جریان یک شورش شهری است و باید درست شناخته شود و درست باید به آن پرداخت، می‌زند. به عنوان کسی که ۱۷ سال با افروغ همنشین بودم و حق پدروی و استادی گردنم داشته‌اند، اگر بخوام تجربه‌ام را از این سال‌ها بگویم، باید دآوری بسیار تلخی را بگویم متأسفانه بسیاری در نظام ما نه در بخش گفتمانی بلکه با تأکید می‌گویم در بخش اجرایی به افرادی همچون دکتر عماد افروغ روی خوش نشان نمی‌دهند.

تقابل با وارونه‌نمایی واژگان

عماد افروغ کتابی به نام حقوق شهروندی و عدالت دارد. در انتهای این کتاب ایشان در چند صفحه و چند جدول جامع حقوق مقابل جامعه و فرد و تکالیف این دو در قبال هم را در چند صفحه خیلی ریز آورده است. در این کتاب ایشان حقوق مدنی، حقوق وضعی، حقوق سیاسی، حقوق گروه‌ها و حقوق اولیه طبیعی را منقح کرده است تا استخدام و وارونه‌نمایی واژه‌ها و یا به تعبیری زوال معنایی واژه‌ها شکل نگیرد.

من گفت‌وگویی مفصل با مرحوم افروغ دارم که در کتابی به نام دیالکتیک خرد جامعه منتشر شده است. آنجا در مقدمه مفصلی که وجود دارد درباره همین وارونه‌نمایی واژه‌ها و استخدام این واژه‌ها برای منفعت و قدرت صحبت می‌شود و ایشان به شدت انتقاد می‌کند و معتقد است این کار حتی برای یک تمدن خطرناک است و اگر واژه‌هایی مانند «عدالت» و «آزادی» معنای اصلی‌شان را از دست بدهند و به اسم آنها قدرت طلبی صورت بگیرد جامعه از بین می‌رود. مثال‌هایی هم که ایشان می‌زد از انقلاب کبیر فرانسه و کمونیسم بود تا امروز. ایشان خیلی معتقد بود که نباید این انحرفات صورت بگیرد. اگر آدم‌هایی مثل افروغ نبودند تا جلوی انحرفات معنایی سال ۸۴ به بعد بایستند و نشترهایی بزنند، ممکن بود دیگر چیزی به نام جریان دینی وجود نداشته باشد و ادامه پیدا نکند. باید بگویم امروز خیلی وامدار حرف‌ها و انتقادات آن موقع افروغ هستیم که با وجود تمام فحاشی‌هایی که به او شد اجازه نداد انحرف خودش را در قالب اسلام جفا بیندازد.

عماد افروغ از جایگاهی مستقل

وضع موجود را نقد می‌کرد

یک زمانی شما از موضع چسبیده به قدرت سیاسی به مخالفت با وضع موجود می‌پردازید یا به عبارتی می‌گویید نقد من این است که تو در قدرت نباش من باشم، تو برو من بایم؛ اما امثال افروغ این‌طور نقد نمی‌کردند، بلکه آنها به ذات گفتن انقلاب اسلامی، نهج البلاغه و صحبت‌های امام و رهبری ارجاع می‌دادند و از آن منظر وضعیت حکمرانی را نقد می‌کردند.